

راه شهیدان راه ماست

چهاردهم بهمن، روز شهادت دکترتقی ارانی، در زندان پدست در خمیان حکومت رضاخان، روز یادبود و بزرگداشت همه شهیدانی است که در نبرد بخاطر رهائی خلق از یوغ استعمار و استثمار با خون خود نهال انقلاب ایران را آبیاری کرده و رشد داده اند.

ما در اینجا خیال مرتبه خوانی و شمایل داری نداریم، شهیدان بر افتخار راه انقلاب نیز هرگز باین دیده نمیکویم و یقین داریم اروپا پاک شهیدان نیز از چنین کاری بیزار و رویگردان است. روزیونیت های ایران که در قبال خلق، در قبال شهیدان مسئولیتی نمیشناسد، خود را سرگرم شمایل داری شهید کرده اند تا شاید از این طریق راهی برای حویض زرد لبا بکشایند. آنها در تمام طول سال - و دستاویز هم همیشه میتوان یافت - بنگار عزاداری و مرتبه خوانی مشغولند. اما یادآوری زندگی قهرمانان برای آنستکه از آن الهام گرفته اند آنرا وسیله و وثیقه حیثیت و اعتبار برای حویض ساخت. ما شهیدان، این فرزندان شایسته خلق را از این جهت گرامی میداریم که آنها با خلق بلاد دیده و رنج کشیده، ما پیمانی استوار بستند و هیچگاه و حتی در واپسین دم زندگی نیز پیمان خود را نشکستند. راهی که آنها در پیش گرفتند راه رهائی خلق بود، راهی طولانی پر محنت. اما آنها همراه با خلق و در پیشانی خلق در این راه گام برداشتند. دشمن، این پیشاهنگان خلق را یکی پس از دیگری برخاک هلاک انداخت. ولی فرزندان دیگری از میان خلق جای آنها را گرفتند و همچنان مبطی طریق ادامه دادند.

ما پیوستگان و ادامه دهنگان راه این شهیدانیم و میگوئیم از وفاداری آنها بخلق، از جانبازی آنها در راه خلق، از حاصل انقلابی آنان سرمشق بگیریم. ما این سخنان رفیق مائوسه دون را شعار خود میسریم.

"هزاران هزار شهید جان خود را در راه منافع خلق قهرمانا فدا کرده اند. بگذار درفش آنها را بر افرازیم و در راهی که با خود آنها ترسیم شده است پیش رویم".

این درفش آنهاست که ما برافراشته ایم و راه آنهاست که در پیش گرفته ایم. خاطره آنها با الهام میبخشد و قهرمانی آنها.

بما نیرو میدهد.

خلق ایران و در پیشانی آنها کونیست های ایران با مجاهدت و فداکاری و جسارت و بیاداری، از موانع و مشکلات آنچه را که توفان از سر راه انقلاب ایران برداشتند و گامهایی نیز پیش برداشته اند ولی هنوز راهی طولانی، پرفراز و نشیب، پریسپ و خم و پرمخاطره ای در برابرماست بدون شک سایه شهیدان انقلاب هنوز بیایان نرسیده است و هنوز جانبازی و قربانیهای فراوانی لازم است تا انقلاب پیروزی انجامد.

آیا میتوان بدون تحمل تلفات و قربانیها پیروزی انقلاب نائل شد؟ تردیدی نیست که حزب طبقه کارگر باید بر اساس تحلیل علمی شرایط مبارزه و اتخاذ استراتژی و تاکتیک صحیح، توده های خلق را آنچنان رهبری کند که ناگامیها و تلفات بعد اظ تغلظت یابد. اما از اینجا نتیجه نمیشود که راه انقلاب ایران را میتوان بدون جانبازی و تلخگویی پیمود. تاریخ انقلاب و از آنجمله انقلابات پرولتاریائی در برابرماست. "آنکشی که مدعی است که با انقلاب نباید دست یازید مگر آنکه بدون حوادث نامطلوب جریان یابد و این تعطلیه هر گونه قربانی و ناگامی تضمین شده باشد، آنکس پیوسته پیوسته انقلابی نیست" (پیشنهادانی در باره منشی عمومی جنبش کومینستی) -

روزیونیتسهای حزب توده ایران درست بقیه در ص ۲

ترس مرگ در جان رژیم کودتا

دردگاه "نظامی محمد رضا شاه بار دیگر با اعلام احکام غرما پیش ده بنا بر آن ۱۴ روشنفکر میهن پرست ایرانی به حبس های سه تا یازده ساله محکوم گردیدند؛ بنگار خود خانه داد. ایسن اولین بار نیست که چنین نمایشنامه فلهلی، مفتضحانه ای بنشناسام "دردگاه" به روی صحنه میاید. این نمایش ناشون ده ها بار به روی صحنه آمده و بدون شک در آینده نیز بارهای دیگری بر صحنه خواهد آمد. هنوز این احکام فرمایشی دردگاه اخیراً ننگریده بود که از گوشه و کنار خبر بازداشت و احیاناً محاکمه ۲۱ نفر دیگر انتشار یافت.

آیا این جنایات مکرر که رژیم ایران سراسیمه آنها دستنی برد، نشانه عدم ثبات وی نیست؟ این محاکمات اصولاً با چه انتهای صورت میگیرد؟ سابقاً اتهام تقریباً کلیه بازداشت شدگان داشتن مرام اشتراکی بود و امروزه بر این اتهام تمرین جنگ پارتیزانی در جنگلها و نظیر آن اضافه میگردد. البته معلوم نیست که این اتهام در مورد این یا آن فرد تا چه اندازه صحت داشته باشد ولی آنچه رژیم ایران را باین اتهام وامیدار تنها وحشت و از او واقعیتی است که هستی او را به فنا تهدید میکند؛ مردم کشورهای منطقه توفان - ناسها - تدریج در مییابند که یگانه راه نجات آنها دست بردن بجنگ توده ایست و پذیرش این حقیقت در جامعه ما زمینه های مساعد یافته است. مردم ایران با بررسی تجربه چند ده ساله مبارزات ملی و طبقاتی خود بدین نتیجه میرسند که سرنگونی رژیم جهنمی کونی تنها با توسل به قهر انقلابی، با بسیج یک ارتش توده ای میسر است. رژیم خائن ایران نیز هر آنچه در قدرت دارد بکار میاندازد تا مردم ایران بدین راه کشانده نه شوند و درست بدین جهت همه روزه نمایشهای مفتضحانه جدیدی بنام "دردگاه" نظامی بر روی صحنه میاورد تا زهر چشم بگیرد.

رنجبران

"... چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود. چسرا اینقدر از رنجبران میترسید؟ ... مگر رنجبران تمام جزئیات حیا شما را تا مین نمیکنند؟ ... مگر اکثریت ملت ایران بنسبت نه دهم رنجبران نیست؟ ... مگر مخالفت با رنجبران مخالفت با ملت ایران ... نیست؟ ... این نوع تعقیب و محاکمه واضح میکند که شما نه فقط با توده مخالفید بلکه نیز از آن سخت هراسانید. این تعقیب شد بد غیر ترس و لرز علت دیگر نمیتواند داشته باشد. باین ترتیب شما اقرار تلویحی به قدرت توده می کنید. پس شما را به عقابت و حیم این طرز عمل خودتان توجه میسازیم ..."

از من دفاع دشمن ایرانی در دادگاه پنجاه

برخی از مظاهر آنتی کومونیسم در ایران

بزرگترین و نیرومندترین سد راه نهضت ملی است (روزنامه ایران آزاد "شماره هفت فروردین ۱۳۴۲) .

اگر این اعدا را بید بییم ناچار با دیدیم بییم که محمد رضاشاه که نام کونیستها پیوسته سرفهرست اعدایمان او بوده "بزرگ ترین و نیرومندترین سدهای نهضت ملی" را در بریده است! و در اینصورت باید محمد رضاشاه را دستیار رهبران نهضت ملی ایران دانست! و در اینصورت باید از او سیاستگری کرد!

مناقشه این ضد کونیستها پنتایچی که از ادعای خوان آنها حاصل میشود توجه ندارند.

محمد رضاشاه جمعی از بهترین فرزندان وطن ما را میزند و میگوید باین اتهام که کونیست اند و این ضد کونیستها همان عده را میزند و میگویند باین اتهام که کونیست واقعی نیستند! هم محمد رضاشاه و هم این ضد کونیستها با امضای حکم اعدام موافقت میکنند و استدلال طاهر مخالف.

ببینید وقتی که عبد السلام عارف در عراق سرکار آمد و سیاستن نیروهای عراقی تفنگ و داس در شنبه برداشته در خیابانهای بعد از موصل و صفره بشکار کونیستها پرداختند برخی از این ضد کونیستها چه نوشتند: "امروز داستان عراق نیز از همین مغزله است. چه اشکها که حبرگزارهای عربی و مطبوعات دست راسته بحالت زار کونیست های عراق نمیریزند. کتر کسی است که در غرب بغمند که یک عرب مصری و عراقی و الجزایری و یک ایرانی از کونیست چه تصویری دارد" (همان شماره "ایران آزاد") . نویسنده مقاله بحشم آمده که چرا باحاطر کونیستهای شهید عراق اشکی ریخته شده است و مدعی است که این اشک را "حبرگزاری های غریبی و مطبوعات دست راست" ریخته اند. تردیدی نیست که روح نهضت ملی و ضد امپریالیستی بقیه در ص ۳

همه مرتجعان ایران ضد کونیست اند و محمد رضاشاه را رس آنها. در تاریخ اخیر ایران هیچ حادثه مهمی نیست که از خود کونیست ها رنگین نباشد. حکومت ایران نه فقط کونیستها را به حبس و زجر و اعدام محکوم میکند بلکه هر کسی را که مناسبین محکومیت ها یابد بلمونیم منسوب میسازد. دشمنی هیئت فرمانروای ایران با کونیستها پنهانی و مشروط نیست آنستکه و مطلق است. در باره این دشمنی تناری نه شرح و بسط. ولی متاسفانه در میان نیروهای ملی و ضد امپریالیستی نیز کسانی را میتوان یافت که ضد کونیست اند یعنی نه فقط کونیست نیستند بلکه کونیستها را دشمن میدانند. مظاهر عده آنتی - کونیسم آنها چنین است:

این ضد کونیستها میدانند که چشم جهان و از آن جمله چشم ایران بر روی حقایق کونیسم باز شده است. کومیس از آغاز ظهور خود تا امروز چنان سونه هائی از اندیشه عالی، آفرینندگی، جانبازی، ترقی و سازندگی بوجود آورده که هر کس نخواهد بد رکات ارتجاع سیاه سقوط کند نمیتواند نفی مطلق کونیسم را شیوه خود سازد. از این جهت این ضد کونیستها درین حال که در برابر کونیستهای ایران همیشه قیافه پر حتم و کین دارند با کونیسم جهانی گاهگاه با لحنند و روبرو میشوند و حتی برای وی با حرارت کف میزنند. بعفیده ایتان کونیستهای برخی از نقاط جهان جویند و کونیستهای ایران و بطورکسی کونیستهای حاورزرد یک و میانه بداند. اگر پای صحت این ضد کونیستها بنشینیم چنین موعظه میکنند که در کشورهای حاور میانه و نزد یک "کونیست معنای فردی که بمارکسیسم معتقد است و یایک عموی که برای احیا و نظنر هوائی منشش این یاد بولوی را انتخاب کرده نیست. آنجا کونیست معنای

ولی ما تردیدی نداریم که این تلاشهای در خمیان عبت است. هر چه رژیم ایران بر شدت درندگیهای خود بیافزاید خشم توده های مردم نیز فزونیتر میگردد. جنبش عطیعی که در ماههای اخیر برای دفاع از زندانیان سیاسی انجام گرفت خود بین بی اثر ماندن تلاشهای دستگاه حاکمه بخاطر زهر چشم گرفتن از توده های مردم میباشد. بخصوص مبارزات اخیر در دانشجویان ایرانی در خارج کشور تحت رهبری نقد راسیون دانشجویان، از رشد و اعتلا قابل ملاحظه ای برخوردار بود و هست. توده های وسیعی از دانشجویان برای دفاع از میهن پرستای، که تحت شکنجه در خمیان هستند در صفوف احدی متشکل گردیدند؛ با میتینگ ها، اعتصاب ها، اشغال سفارتخانه ها و با فعالیتهای توضیحی و مطبوعاتی، گردانندگان رژیم را وارد ساختند که از حکم اعدام شهبان چشم بیروشد. البته تخفیف مجازات از اعدام به حبس آنها در زندانها و تبعیدگاههای محمد رضا شاه، تخفیف چندانی نیست - و درست بهمین جهت بایستی مبارزات دفاعی ادامه یابد - اما اهمیت مبارزات دفاعی دانشجویان نیز فقط در آن نیست که احکام اعدام به حبس های طولانی تخفیف یابد. اهمیت این مبارزات بویژه در آنست که مردم را به خون آشامی محمد رضا شاه بیشتر توجه میسازد. به آنها میفهماند که کلیه مانورهای دستگاه حاکمه عده و وعید و فریبهای او مطلقاً دروغ است. بقیه در ص ۳

توطئه شکست خورده‌ای بر ضد خلق‌های عرب

هرچه سازه مسلحانه خلق فلسطین با مهاجمان اسرائیلی به پیروزیهای نازیدی میرسد و هرچه مقاومت کلبه خلق‌های عرب مشغول تره آگاهانه تر میشود و قطعنامه تر میشود روزیونیستهای شوروی که می‌کشند تصمیمات مشترک خویم امیرالیسم آمریکا را بر خلق‌ها عرب تحمیل کنند شتاب زده تر و سراسیمه تر میگردند و از نگراندن نفاق خویش غافل میمانند و این فرصت مناسبی است برای مشاهده چهره آنها با تمام گراهنش .

بحاطر بیارویم که روزیونیستهای شوروی در ژوئن ۱۹۶۷ با تیان امیرالیسم آمریکا دولت مصر را که از تدارک حمله اسرائیل با خبر بود و ادار ساختند که از هرگونه اقدام جسدی برای خنثی ساختن آن خود داری کند و این امر تاثیر بزرگ در موفقیت تهاجم افلکبر اسرائیل داشت . بحاطر بیارویم نطق جمال عبدالناصر را که در ۱۱ ژوئن ۱۹۶۷ چنین گفت :

" ۲۱ ماهه پیروزی ت جانسون بوسیله سفیر ما پیامی فرستاد و از ما خواست که خونرس باشیم و اگر نمیخواهیم با نتایج خیمی روبرو شویم در هیچ حالی مخاصه با اسرائیل را شروع نکنیم . همان شب سفیر شوروی در قاهره در ساعت ۳ و ۳ دقیقه بعد از نیمه شب از من نغاشی ملاقات کرد و پیامی از دولت شوروی داد که از ما مصرانه خواسته بودند که در شروع مخاصه پیشقدم نباشیم . روز دوشنبه ۱۱ ژوئن دشمن بمساحملهور شد ."

برزعت پنهان میداشتند .
نمایندهان خلق رزمده فلسطین بانکا واقعتی باید کردند که یگانه راه حل مسئله فلسطین و تامین صلح در خاورمیانه مبارزه مسلحانه بر ضد تهاجم اسرائیل و برانداختن این پیکانه امیرالیستی است . اکثریت کفرانسیب این راه انقلابی درود فرستاده و راه تسلیم طلبانه پیشنهادی روزیونیستهای شوروی را مردود شناخت .

یکی از رجال دولتی عرب چنین گفت :

" صهیونیست ها راه مقاومت را بما نشان دادند . پیروزی ویتنام بر آمریکا قادر و قاهر بما امیدواری بخشید که شکست ما موقی است . این نتیجه گیری درستی است . ما بر آنیم که همچنان که رفیق مائوتسه دین می آموزد :

" . . . هر کشوری ، خواه بزرگ و خواه کوچک ، اگر خلق خود را تماما بسپنج کند ، اگر مصمانه بدو تکیه دهد و بجنگ توده‌ای بپردازد بر هر دشمنی ، هر قدر نیرومند باشد علیه تواند کرد ."

طلیحه نهخت مقاومت خلق فلسطین نوید میدهد که بزودی خلق‌های عرب از دام قریب روزیونیستها و پندارهائی " مسالمت آمیز " خواهند رست و با بسپنج نیروهای بی پایان خود از طریق جنگ‌های توده‌ای بر اسرائیل و امیرالیستها و روزیونیستهای تکبدر او پیروز خواهند شد .

راه شهیدان . . . بقیه از هر چه در زیره این گمان آنه آنها همینکه از انقلاب سخن بمان میاید که در آن خلق ایران برای رهائی خویش از این دستگاه استبدادی جهنمی باید زور را با زور و کلوله را با کلوله پاسخ دهد و با اعمال قهر ایسن دستگاه را از سریر قدرت بزیر بکشد ، فوراً بان یک برجسب " ماجراجویی " میزند که کویا " جنبش انقلابی را بشکست می‌کشد و قاره گاه را باید توده های مردم بپردازند . بزعم آنها باری آنکه توده های مردم از پرداخت قاره گاه در امان بمانند ، با تا پیدایش " وضع انقلابی " یا وضع موجود ساخت ، همچنان در اسارت بسر برد ، و بجانبها و حیانتهای رژیم استبدادی تن داد و بادامه زندگی مشتق بار شونی تسلیم شد . احتراز از پرداخت قاره گاه در واقع بهانه عوامفریبانه ایست برای آنکه قدرت خود را با انقلاب بیوشانند . آنها این سخنان لنین بزرگ را که سیستم سرمایه داری " حتی در جریان مسالمت آمیز ترین حوادث قریبهای بیشمار " از زحمتکشان مطیلد در رکوش نمیگردند ، آنها کویا نمیینند که هر روز هزاران نفر از مردم ما قربانی بلایای ناشی از رژیم اجتماعی گشونی میگردند . این قربانیهای رژیم از آنجا که ما بدان حور کشته ایم ، کویا پدیده‌های عادی است . اما میاید که مردم بجان رسیده بروی پاسداران مسلح محمد رضاشاه دست بلند کنند ، مادا کسی از مردم کرسنه دعوت کند که بجای مرگ از کرسنکی و بیجانمانی ، از زلزله و سیل و سرما زندگی خود را در راه انقلاب در میدان نبرد افتد ، زیرا قاعده بهم میخورده حرق عادت میشود و احساسات انسان - دوستی روزیونیستها بحلبان میاید که مردم " قاره گاه میبر - دازند " . معلوم نیست چرا باید مرگ در اسارت و بدبختی را ستود و مرگ قهرمانانه در صحنه نرد قطعی بحاطر رهائی از وضع بی سرانجام گشونی را نگوشت کرد و از آن با نهید اشتبلیگا و توطئه های پنهانی جلوگیری کرد .

توده دانشجو . . . بقیه از هر چه شعارهایی میاید اتحاد همه نیروهای ملی و عر امیرالیستی است . سازمان دانشجویان نیز در سازمانی صنعتی و توده‌ای است باید این شعارها را در سرلوحه هدف خود بگذارد .

حوادث ماههای مه و ژوئن در فرانسه نشان داد که عصر ما چه نیروهای انقلابی بیسابقی در دامن خود می‌پرورد :

در این حوادث دانشجویان نه برای هدفهای محدود و صنعتی و اقتصادی بلکه برای یورش مستقیم بر مواضع سرمایه‌داری انحصاری و در زیر پرچم سرخ و با سرود انترناسیونال به نبرد با پلیس پرداختند - عظمت فیام کارگران و دانشجویان فرانسه حقاقت روزیونیستهای آن کشور را بیش از پیش نمایان ساخت .

روزیونیستهای فرانسه "مفردانه " بورژوازدانک نازیرور " نمایند ولی خودشان مانند بورژوازیستان دست آموز عمل کردند . در کشور ما نیز روزیونیستها که حب و راست برجسب " خرد بورژوا بر سبب دانشمونی می‌سپانند خودشان داع همدستی با رژیم را سرچهره دارند .

ما معتقدیم که - همانطور که حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست فرانسه گفته است - عصر ما عصر حورش افکار است . همین خصوصیت عصر ما توده‌های غیر پرولتاریائی را روز بروز بیشتر سوسی پرولتاریا می‌کشد و با سلاح ایدئولوژیک این طبقه محرم میسازد . طبقه مابعدان طفه کارگر " طبقه مارکسیست لنینیست هاست که مسوره بنوده روشن فکر و دانشجو ایرگ روی آورند به نیروی انقلابی بنیفته در آنها ایمان داشته باشند آنها را بوسیله شعارهای سیاسی درست و از طریق اشکال گوناگون سازمانی به رتبه بر مامع رزمه که دنا بشکند .

انقلاب ملی و انقلاب دهقانی ، که هر دو خصلت بورژوازی و اژت دوطیقه اساسی است که باید طی مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک انجام گیرد . بدون انجام این دوطیقه که در مرحله سوسیالیستی انقلاب ممکن نیست . برای آنکه این مرحله از انقلاب با موفقیت تکمیل یابد و شرایط قدر امیر مرحله سوسیالیستی انقلاب فراهم آید رهبری پرولتاریا در انقلاب ایران ضروری است . بدون رهبری طبقه نارگر انقلاب به هدفهای خود دست نخواهد یافت و در هیچ حواهد افتاد و لذا باید گفت که ایران در مرحله انقلاب دموکراسی نوین یعنی مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک به رهبری طبقه کارگر است ."

مستخرج از طرح " وظائف مردم‌وروی مارکسیستها لنینیستهای ایران " این طرح که بضمیمه شماره ۴ دوره سوم توفان منتشر شده در دفتر روزنامه موجود است . آنرا برای مطالعه و اظهار نظر و توزیع از توفان بخواهید .

بهبوده نبود که پس از حمله اسرائیل بر مصر مردم حشمتکین قاهره بر سفارت شوروی حمله بردند و فریاد مرده با در کشیدند . حالا همین روزیونیستهای شوروی بار دیگر با امیرالیسم آمریکا تیان کرده اند تا خلق‌های عرب را از هرگونه عمل جسدی در سرکوب تهاجم اسرائیل باز دارند . یکی از نمونه‌های دسائس آنها تشکیل کفرانسی است بنام " کفرانسی بین‌المللی هیستنی با خلق‌های عرب " . روزیونیستهای شوروی نخستین جلسه این کفرانسی را در نوامبر گذشته در دهلی تشکیل دادند و سپس در ژانویه اسامی لازم دیدند . دوم آنرا فراهم آوردند .

عه گیری از ایادی شوروی و روزیونیستهای سرشناس در کفرانسی قاهره شرکت جستند تا نمایندهان خلق‌های عرب را در محیطی سرشار از روحیه ایرونیستی و تسلیم طلبی محصور سازند . منظورشان عبارت بود از قبولاندن قطعنامه ۲۴ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد به خلق‌های عرب ، قطعنامه‌ای که محصول سوداگری کاسکین و جونسون در کلابیور است و قطعنامه‌ای که دولت اسرائیل را بمشابه سرپل تحاوز امیرالیسم آمریکا در خاورمیانه تثبیت می‌کند ، نتیجه‌اش تحکیم سلطه اسرائیل بر کشورهای عربی است . هدفش جلوگیری از مقاومت مسلحانه خلق‌های عرب بر ضد امیرالیسم آمریکا و اسرائیل تجاوزکار است . در همان روزهایی که این قطعنامه برای تصویب شورای امنیت آماده میشد خبرنگار روزنامه لوموند از مسکو چنین گزارش داد :

" بین تصمیم‌های خصوصی و روش رسمی (شوروی ها) قله بسیاری است . . . در اینجا امروزه موضع گیری‌های علنی و تبلیغاتی میتوان بدردک این احساس رسید که سیاست شوروی و آمریکا در خاورمیانه با ید دیگر تصادم جبهه‌ای ندارد بلکه موازات هم پیش میروند و هدف مشترک عبارتست از اجتناب از بر خورد و استقرار ثبات " (لوموند ۱۴ نوامبر ۱۹۶۷) .

اینک در کفرانسی قاهره روزیونیستهای شوروی میخواستند قطعنامه ۲۴ نوامبر ۱۹۶۷ را که زائیده این " هدف مشترک " آنها و امیرالیسم آمریکاست ، بر کرسی بنشانند . البته روزیونیستها - چنانکه شیوه همیشگی آنهاست - در کفرانسی قاهره از سخن رانی‌های پر آب و تاب در مذمت امیرالیسم و تجاوزکاریهای اسرائیل باز نایستادند . ولی آخرین کلامشان چه بود ؟ از این روضه‌خوانی به کدام صحرای کزیز زدند - به صحرای همزیستی مسالمت آمیزه ، به صحرای صلح ، همانگونه صلحی که کشته شدن لومومبادر کتور بر قرار شد ، همانگونه صلحی

پیروز باد جنگ توده‌ای خلق قهرمان ویتنام

نقش شایسته زنان... بقیه از ص... وضع زنان در خانواده است در آنجا که مرد بزن فرمانروایی طلاق دارن حتی جان زن نیز در پاره‌های موارد از دستبرد مردان ارمان نیست - زنی که تمام روز را در اداره کارخانه آموزشگاه و غیره کار کرده پس از تمام کاریا به کار خانه میرود که بدون شک کاری کوشش است. زن روزی و روز تعطیل نمی شناسد

اسارت و محرومیت ناشی از سلطه امپریالیسم و ارتجاع عدم برخورداری کامل از حقوق اجتماعی در جامعه بردگی در محیط خانواده و نتایج ملالت باری که بر آنها مترتب میگردد اینهاست آن عواملی که آلام و مصائب زنان را دوچندان شدت می بخشد چنانچه تا ساف است که بسیاری از مردان رختی مردان شرقی و پیشرو از درک موقعیت زن در اجتماع ناتوانند . ما گاهی با

تربس مرکز در . . . بقیه از ص... مبارزات دفاعی کوشش دستگاه حاکمه را در مورد تارک گذاشتن و پنهان نگه داشتن سیاهکاریهای خود بلا اثر میگردد . مردم ایران بی میبند که چه جنایات عظیمی در ریشتر برده صورت میگردد بی میبند که درندگی محمد رضا شاه از جنایات سران دولت پوشالی سایگون کشر نیست و برای موقوف کردن آنها بایستی همان راهی را بر کزید که مردم ویتنام برگریدند .

برخی از مظاهر . . . بقیه از ص... ایران از چنین صوای برادرش بیزار است و آنها که چنین فتوای صادر کرد اند دانسته و یا ندانسته بنهضت توهین روا داشته اند . همین صد کوششها بجای آنکه بر روزیونیم - این دشمن آزادی خلقها - حمله شند پیدایش روزیونیم را وسیله برای حمله برکوشیم ساخته اند . هیچ خیاستی از روزیونیمها معاصر سر نمیزند مگر آنکه این ضد کوششها آنها بصورت سلاح بر ضد کوششهای استالینی در آورند . حتی اگر فلان زنگال منحنظ شوروی در مسافرت به ایران بتقلید از رهبران روزیونیم خود بتسلط از محمد رحمانه بپردازد بیدرنگ ضد کوششهای ایران یاد آور میشوند که این همان است که در سال ۱۹۴۹ از دست " رفیق استالین " عنوان قهرمان اتحاد شوروی را دریافت کرد " (ایران آزاد " مرداد ۳۴) تا باین طریق دوران استالینی شوروی را بیلا بیلند . اگر حزب کوشش چکسلواکی بدرجه حزب بورژوازی سقوط کرد دلیل آنرا ترسیدن رهبران و کارهای آن ه در رنشن سوم روزیونیمهای شوروی بلکه در دوران استالین باید جستجو کرد . اگر روزیونیمهای شوروی بشیوه فاشیستی بر جمهوری چکسلواکی بنظور اسیر ساختن خلق حمله میسند گناهی برعهده شوروی دوران استالینی است . اگر چه در اینجا گویا گناهی بوضع نیوسته زیرا که ضد کوششهای ایران اصولا حمله روزیونیمهای شوروی را بر چکسلواکی طریقا مورد تأیید قرار دادند . (ایران آزاد " آذر ۱۳۴۷) .

روزنویسندگانهای شوروی

دشمن حلقهای شوروی و ایران و جهانند در رژیم پرورند

" تلویزیون مسکو . . . در زمان زدن به عوسهای جوانان بخش عدلهای دارد . من در ایران تا تراجاری برنامه آواز و دختروسی از تلویزیون مسکو بودم که بامینی زوی اصل و آرایشی کاملاندنی همان اداهای بیتل هار را میسوزند و آوازهای نوع غریب را میخوانند و مورد استعمال و ک زندهای شد بد تر و شور و شوق تفرار میگردند . من ترد بدارم که تا ده سال دیگر میان نسل جدید شوروی و نسل جوانان عرب فاصله و تناوبی باقی بماند " . کیهان ۱۳۴۷

برخی از ضد کوششها از جنسی باینظور تظاهر مارکس را بیانی از تجملات زندگی خود ساخته اند و چنین جلوه میدهند که گویا حمله آنها بر کوششها از موضع مارکسیستی است . آنها شوق سوزانی به تحلیل " علمی " تاریخ دارند تا بلك " مارکسیسم ثابت کنند که نهضت کوشیستی چیز دیگری جز يك سلسله انباشه ، ضعف و حیانت نبوده و پیوسته موجب شکست " نهضت اصیل " حلق شده است . بموجب این تحلیل " علمی " نه فقط حزب توده ایران سده راه نهضت ملی بوده بلکه در گذشته پیش از شهریور ۲۲۰ هم حزب کوشش ایران بوده است . مثلا اگر نهضت جنگل را ما این تحلیل علمی " از نظر بگذرانیم دیده میشود که میرزا کوچک خان جنگلی مردی است ، دلخواه استعمار ، هوادار دهقانان ، و حتی آگاه از تئوری امروری مربوطه ارتش توده ای و جنگ با ترناری . اگر ایرادی بر او بعنوان گرفت است که " ناچار بیسپاهارهای چپ روانه زحمای حزب کوشش ایران سلیم شد و با شرکت در اقدامات آنان در واقع در شکست انقلاب سهم کردید " (" ساماری " مه ۱۳۴۷ ص ۲۲) .

و حتی بجهه تمام بجهه ، صداهای بیست تاسی نوری بجهه های کوچولوی روسی در تمام سیرشاهنشاه بجهنم مجبور . هر بیستیا سی نفر طفل بایک پرستان زن در کارخانه بایان بصف ایستاده بودند مخصوصا وقتی شام شاهان زبیر ارشان میگفتند و بعد وسوروی در دل همه می شناسند . نسل آینده شوروی را من در این مراسم دیدم " کیهان ۱۳۴۷

برخی از ضد کوششها از جنسی باینظور تظاهر مارکس را بیانی از تجملات زندگی خود ساخته اند و چنین جلوه میدهند که گویا حمله آنها بر کوششها از موضع مارکسیستی است . آنها شوق سوزانی به تحلیل " علمی " تاریخ دارند تا بلك " مارکسیسم ثابت کنند که نهضت کوشیستی چیز دیگری جز يك سلسله انباشه ، ضعف و حیانت نبوده و پیوسته موجب شکست " نهضت اصیل " حلق شده است . بموجب این تحلیل " علمی " نه فقط حزب توده ایران سده راه نهضت ملی بوده بلکه در گذشته پیش از شهریور ۲۲۰ هم حزب کوشش ایران بوده است . مثلا اگر نهضت جنگل را ما این تحلیل علمی " از نظر بگذرانیم دیده میشود که میرزا کوچک خان جنگلی مردی است ، دلخواه استعمار ، هوادار دهقانان ، و حتی آگاه از تئوری امروری مربوطه ارتش توده ای و جنگ با ترناری . اگر ایرادی بر او بعنوان گرفت است که " ناچار بیسپاهارهای چپ روانه زحمای حزب کوشش ایران سلیم شد و با شرکت در اقدامات آنان در واقع در شکست انقلاب سهم کردید " (" ساماری " مه ۱۳۴۷ ص ۲۲) .

ادبیراحلاصه های از کتاب " انقلاب سعید " بضم شاهنشاه آریا مهر در مسکو زبان روسی ترجمه و چاپ و در یازده هزار نسخه به فروش رسیده است . این ترجمه رایلی از ترجمین زبردست شوروی منتشر کرده است . فیلانتر ترجمه کاملی از کتاب انقلاب سعید که در پاریس بزبان روسی ترجمه و چاپ شده بود منتشر کردید تهران ، مهر ۱۳۴۷

برخی از ضد کوششها از جنسی باینظور تظاهر مارکس را بیانی از تجملات زندگی خود ساخته اند و چنین جلوه میدهند که گویا حمله آنها بر کوششها از موضع مارکسیستی است . آنها شوق سوزانی به تحلیل " علمی " تاریخ دارند تا بلك " مارکسیسم ثابت کنند که نهضت کوشیستی چیز دیگری جز يك سلسله انباشه ، ضعف و حیانت نبوده و پیوسته موجب شکست " نهضت اصیل " حلق شده است . بموجب این تحلیل " علمی " نه فقط حزب توده ایران سده راه نهضت ملی بوده بلکه در گذشته پیش از شهریور ۲۲۰ هم حزب کوشش ایران بوده است . مثلا اگر نهضت جنگل را ما این تحلیل علمی " از نظر بگذرانیم دیده میشود که میرزا کوچک خان جنگلی مردی است ، دلخواه استعمار ، هوادار دهقانان ، و حتی آگاه از تئوری امروری مربوطه ارتش توده ای و جنگ با ترناری . اگر ایرادی بر او بعنوان گرفت است که " ناچار بیسپاهارهای چپ روانه زحمای حزب کوشش ایران سلیم شد و با شرکت در اقدامات آنان در واقع در شکست انقلاب سهم کردید " (" ساماری " مه ۱۳۴۷ ص ۲۲) .

گروپ در شوروی

مسافری که در شوروی در شهر " سووئی شفت " علامت " صاحب گروپ " را سر در دیوار کارخانه ای می سید یکسده میجوورد و مسجواهد دیده بود سوار شد ولی وقتی که در شهر " نو و سلکو و سک " و " کورسک " تر همین علامت را در دست و چشم گیر سر کارخانه های دیگری سنده ناچار به واقعت تلخ اعتراض میکند :

گروپ " برگرترین سرماه دار آلمان که در ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ سیدستی سایر احصار داران آن کشور به نفوت مالی فاشیسم هنلری کمر بست و از ساریدگان قدرت هنلری بود و ملیاردها مارک اربیل اسلحه سازی رزم نازی سر سرماه خود افزود . گروپ که پس از خنک در دادگاه نورسزک بنساخت شرکت در جنایات فاشیسمی به حسن آمد محکوم شد و فقط باری امپریالیستهای امریکا نوانست از این محکوم رهایی یابد امپریالیست جوحوار ایک در عده های از شهرهای بزرگ اتحاد شوروی تاملوی خود را بالا برده است !

برخی از ضد کوششها از جنسی باینظور تظاهر مارکس را بیانی از تجملات زندگی خود ساخته اند و چنین جلوه میدهند که گویا حمله آنها بر کوششها از موضع مارکسیستی است . آنها شوق سوزانی به تحلیل " علمی " تاریخ دارند تا بلك " مارکسیسم ثابت کنند که نهضت کوشیستی چیز دیگری جز يك سلسله انباشه ، ضعف و حیانت نبوده و پیوسته موجب شکست " نهضت اصیل " حلق شده است . بموجب این تحلیل " علمی " نه فقط حزب توده ایران سده راه نهضت ملی بوده بلکه در گذشته پیش از شهریور ۲۲۰ هم حزب کوشش ایران بوده است . مثلا اگر نهضت جنگل را ما این تحلیل علمی " از نظر بگذرانیم دیده میشود که میرزا کوچک خان جنگلی مردی است ، دلخواه استعمار ، هوادار دهقانان ، و حتی آگاه از تئوری امروری مربوطه ارتش توده ای و جنگ با ترناری . اگر ایرادی بر او بعنوان گرفت است که " ناچار بیسپاهارهای چپ روانه زحمای حزب کوشش ایران سلیم شد و با شرکت در اقدامات آنان در واقع در شکست انقلاب سهم کردید " (" ساماری " مه ۱۳۴۷ ص ۲۲) .

روزی که در ۱۹۶۴ در بازار بین المللی لایزیک سردسته رویویونیمها حروشچید در برابر گروپ حام خود را به سلاخی " رئیس سلسله بزرگ گروپ " بلند کرد معلوم بود که رویویونیم شوروی و امپریالیسم آلمان در تدارک ماه عمل اند ، و اشون کارخانه های گروپ در شوروی رایشده این ماه عمل است !

برخی از ضد کوششها از جنسی باینظور تظاهر مارکس را بیانی از تجملات زندگی خود ساخته اند و چنین جلوه میدهند که گویا حمله آنها بر کوششها از موضع مارکسیستی است . آنها شوق سوزانی به تحلیل " علمی " تاریخ دارند تا بلك " مارکسیسم ثابت کنند که نهضت کوشیستی چیز دیگری جز يك سلسله انباشه ، ضعف و حیانت نبوده و پیوسته موجب شکست " نهضت اصیل " حلق شده است . بموجب این تحلیل " علمی " نه فقط حزب توده ایران سده راه نهضت ملی بوده بلکه در گذشته پیش از شهریور ۲۲۰ هم حزب کوشش ایران بوده است . مثلا اگر نهضت جنگل را ما این تحلیل علمی " از نظر بگذرانیم دیده میشود که میرزا کوچک خان جنگلی مردی است ، دلخواه استعمار ، هوادار دهقانان ، و حتی آگاه از تئوری امروری مربوطه ارتش توده ای و جنگ با ترناری . اگر ایرادی بر او بعنوان گرفت است که " ناچار بیسپاهارهای چپ روانه زحمای حزب کوشش ایران سلیم شد و با شرکت در اقدامات آنان در واقع در شکست انقلاب سهم کردید " (" ساماری " مه ۱۳۴۷ ص ۲۲) .

روزی که در ۱۹۶۴ در بازار بین المللی لایزیک سردسته رویویونیمها حروشچید در برابر گروپ حام خود را به سلاخی " رئیس سلسله بزرگ گروپ " بلند کرد معلوم بود که رویویونیم شوروی و امپریالیسم آلمان در تدارک ماه عمل اند ، و اشون کارخانه های گروپ در شوروی رایشده این ماه عمل است !

برخی از ضد کوششها از جنسی باینظور تظاهر مارکس را بیانی از تجملات زندگی خود ساخته اند و چنین جلوه میدهند که گویا حمله آنها بر کوششها از موضع مارکسیستی است . آنها شوق سوزانی به تحلیل " علمی " تاریخ دارند تا بلك " مارکسیسم ثابت کنند که نهضت کوشیستی چیز دیگری جز يك سلسله انباشه ، ضعف و حیانت نبوده و پیوسته موجب شکست " نهضت اصیل " حلق شده است . بموجب این تحلیل " علمی " نه فقط حزب توده ایران سده راه نهضت ملی بوده بلکه در گذشته پیش از شهریور ۲۲۰ هم حزب کوشش ایران بوده است . مثلا اگر نهضت جنگل را ما این تحلیل علمی " از نظر بگذرانیم دیده میشود که میرزا کوچک خان جنگلی مردی است ، دلخواه استعمار ، هوادار دهقانان ، و حتی آگاه از تئوری امروری مربوطه ارتش توده ای و جنگ با ترناری . اگر ایرادی بر او بعنوان گرفت است که " ناچار بیسپاهارهای چپ روانه زحمای حزب کوشش ایران سلیم شد و با شرکت در اقدامات آنان در واقع در شکست انقلاب سهم کردید " (" ساماری " مه ۱۳۴۷ ص ۲۲) .

عنوان : دریدگانایات
24030 VILLA D' ADDA / ITALY

حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
C/C 12470 / 11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

برخورداری کامل از حقوق اجتماعی در جامعه بردگی در محیط خانواده و نتایج ملالت باری که بر آنها مترتب میگردد اینهاست آن عواملی که آلام و مصائب زنان را دوچندان شدت می بخشد چنانچه تا ساف است که بسیاری از مردان رختی مردان شرقی و پیشرو از درک موقعیت زن در اجتماع ناتوانند . ما گاهی با کوششهای بر خود میگیریم که بر زمینه های اجتماعی و سیاسی مسائل را بدرستی می فهمند ولی آنجا که پای زن میان میاید پایشان می لنگد چنین شیوه تفکری در نزد مردان انقلابی بسه کار انقلاب زیان میسازند . جا دارد که به پر خورد و رفتار خود نسبت بزنان ببیند بشیم و احساس برتری کاذب را که خلصتی بتمام معنی ارتجاعی و محصول قرون گذشته است در خود خاموش کنیم . یونیم تا یار شاطر باشیم نه بار خاطر . از سکه کشور ما نبی را زنان تشکیل میدهند و این نیروی مادی و معنوی عظیمی است که میتواند در انقلاب در کار تحریک جامعه کهنه و ساختمان جامعه نوین نقش بسیار موثری ایفا کند . دستگاه حاکمه که خود به عظمت این نیرو واقف است میگوید با ترهاتی نظیر اینکه زن باید به خانه اداری و بچه اداری بپردازد این نیروی عظیم را در چهار دیوار خانه محصور کند یا با قداما هم چون طبل بلند با نهد بیاطن هیچ اند این نیرو را از جنبش و حرکت باز دارد و در راه مقاصد خود و تحکیم رژیم و پشتیبانی از آن یکسانند . ماهیت " انقلاب شاهانه " در " اطای " حق انتخاب شدن و انتخاب کردن بزنان و انتصاب ننی چند از زنان بسه وکالت و وزارت ریاست از همین نیت و عرض بر میجوورد . در شوروی که از دموکراسی و آزادی کشرترین بوی بتمام نمیرسد صحبت از " اطای " حق انتخابات بزنان جز دوروی و مردم فریبی نیست روزیونیمهای حزب توده ایران که " انقلاب شاهانه " را در شیت از زیبایی میکنند هم اینک با شاه و سران رژیم میونسند مبارزه زنان را در کار حقوق زن محدود سازند و از زنان دعوت میکنند که فی المثل بخاطر تساوی حق ارب مبارزه بر خیزند . آنها با این شعار خود در واقع دفاع از دحتران خانواده ها ، توانگر و ترنمند را بر عهده میگیرند و گر نه بیش از ۱۰٪ مردم ایران به بنان شب خود نیز محتاج اند لجا ماترکی بر جای می گذارند به المانفصه میان دختران و پسران تقسیم شود . اصلا آیا شعار مبارزه بخاطر تساوی حق دختر و پسر در ارب میتوا زنان ایران را برای مبارزه بسپج کند ؟ آیا این شعار بدین محتوی و تو خالی نیست که فقط بخاطر منصرف ساختن زنان از مبارزه با استعمار روسیه دست نشانده آن به پیش کشیده میشود سازمان ما که در مسیر انقلاب ایران کام بر میدارد باید به اهمیت نقشن زنان در انقلاب توجه کند و برای جلب آنها به صفوف انقلابیون ، برای بسپج آنان در سازمانهای توده ای بسه خاطر مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بکشد . تاریخ معاصر ایران شاهد مبارزات درخشان زنان بوده است ؛ زنان ایرانی همه گونه شایستگی برای شرکت در انقلاب را دارند و هیچ دلیلی نیست که آنچه که از زنان قهرمان ویت نام بمقتضه ظهور رسیده و میرسد در توانائی زنان میهن ما نباشد . زنان ایران بعلت عواملی که در فوق بدانها اشاره کردیم در اکثریت قریب بانفاق خود در عقب ماندگی و تاریکی بسر میبرند ، وظیفه عناصر انقلابی است که بخشی از فعالیت خود را بکار در میان زنان اختصاص دهند و با شیوه های مناسبی آنها را بمبارزه جلب کنند . از آنها برای رهبری مبارزه کادرهای پیرویش دهند . این فعالیت دشواری است که صبر و حوصله بسیار میجواهد و لو از آن نمیتوان چشم پوشید .

زنان و بویزه زنان روشن فکر باید به این نکته عمیقاً ببینند که برابری کامل آنها با مردان در جامعه و خانواده فقط در سایه پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین میسر است و ما بر ایس آنها نیز باید دوش بدوش مردان در مبارزه انقلابی شرکت جویند و با شرکت خود پیروزی انقلاب را تسریع کنند . مسامیقین داریم که زنان نقش شایسته خود را در انقلاب ایران با سر بلندی ایفا خواهند کرد .

توده دانشجو انقلابیست

آیا توده دانشجو در کشور ما انقلابی است؟
باین سوال، روزیونیس‌ها جواب منفی و مارکسیست‌لنینیست‌ها جواب مثبت می‌دهند.
ما می‌گوییم که ایران در مرحله انقلاب دموکراتیک نوین است و توده دانشجو از زمره نیروهای چنین انقلابی است. ما توده دانشجو را باین معنی انقلابی میدانیم.
روزیونیس‌ها بخلاف این معتقدند و اگر چه در این اواخر کوشش فراوانی بکار می‌برند که عقیده خویش را در زیر جملات پیچیده و لُغز مانند بیوشانند. مضمون و باطن گفتارشان پرتویده نمی‌آید.

روزنامه مردم (ارگان روزیونیس‌های حزب توده ایران) در شماره فروردین ماه ۱۳۴۷ توده دانشجو را به سه گروه تقسیم کرد و در مورد گروه سوم چنین نوشته بود: " گروهی که معمولاً اکثریت را هم تشکیل میدهد بین خلق و طبقات حاکم نوسان میکند ". یعنی بعقیده روزیونیس‌ها " اکثریت " دانشجویان در موضع انقلابی قرار ندارند و بین خلق از یک سو و رژیم کودتا از سوی دیگر در نوسان‌اند. آنگاه روزیونیس‌ها این سؤال را مطرح می‌سازند که چرا چنین است؟ و بسادگی پاسخ می‌دهند: زیرا که اکثریت دانشجویان از خرده بورژوازی هستند. از این استدلال روزیونیس‌ها نتیجه میشود که خرده بورژوازی در کشوری نظیر کشور ما در مبارزه با حکومت‌خدا ملی و دست نشانده امپریالیسم موضع انقلابی ندارد و بین خلق از یک سو و رژیم کودتا از سوی دیگر در نوسان است. معلوم نیست که روزیونیس‌ها در اینجا کله خلق را بچه معنی بکار می‌برند. زیرا که اکثریت خلق ایران با خرده بورژوازی (اعم از شهری و روستایی) است، و چگونه میتوان گفت که خرده بورژوازی بین خلق و طبقات حاکمه در نوسان است؟ روزیونیس‌ها این حقیقت را که خرده بورژوازی در انقلاب سوسیالیستی گرفتار تردید و تزلزل میشود و بین پروولتاریا و بورژوازی نوسان میکند در مورد انقلاب ملی و دموکراتیک ایران بصورت بی‌معنی فوق در آورده‌اند.

تردیدی نیست که خرده بورژوازی در مجموع خود از اجزای متشکله نیروهای انقلابی ایران در مرحله کنونی است. این بان معنی نیست که خرده بورژوازی هر یک بی‌مخورد و براه خطانیروند این بان معنی نیست که ما خود را با صدور حکم مذکور از بیدار کردن روح انقلابی خرده بورژوازی از آموزش ایدئولوژیک و سیاسی او، از سازمان دادن او تحت رهبری پروولتاریایی نیاز میدانیم. چنین بی نیازی در مورد هیچ طبقه‌ای و از آن جمله طبقه کارگر نیز وجود ندارد. این بدان معنی است که شرایط موجود در ایران، خرده بورژوازی را مصف انقلاب قرار میدهد نه در صف ضد انقلاب.

چرا روزیونیس‌ها اینقدر اصرار می‌ورزند که توده دانشجو را غیر انقلابی معرفی کنند؟

زیرا که اولاً میخواهند گناه غیرانقلابی بودن خود را بر گردن شرایط عینی جامعه و از آن جمله برگردن قشر دانشجو بیندازند و ثانیاً میخواهند با این مقدمات محملی برای ترمز کردن جنبش دانشجویتراشدند و بهانه‌ای پیدا کنند که سازمان‌های دانشجویی را در چارچوب شعارهای اقتصادی و یا شعارهای سیاسی رقیق نگهدارند. امروز همه دانشجویان از این تلاش بیدار و نا پیدای روزیونیس‌ها آگاه‌اند.

مارکسیست - لنینیست‌ها بر عکس معتقدند که انقلاب مودرا نوین کار همه طبقات و قشرهای دموکراتیک خلق است و شعارها ملی و ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری شعارهای مشترک قاطبه مردم است. هر سازمان صغی و توده‌ای که فاقد چنین شعارهایی باشد خود را از توده‌های خلق ایران منفرده و از انقلاب ایران بر کار خواهد ساخت. چنین عقیده در صر؟

نقش شایسته زنان در انقلاب ایران

کار اندازند و در پیرویه تولید اجتماعی فعالانه شرکت جویند. بی‌شک نیست که آزادی زنان از هرگونه قید اجتماعی و تساری حقوق آنان در تمام شئون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یکی از اصول مرامی حزب طبقه کارگر و جزو لاینفک مبارزه این حزب است. زنان ایران نیکی از سکنه کشورند اما نیکی محروم‌ترین و زجرانگیزان زنان مانند مردان از کلیه بلاهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از تسلط امپریالیسم و طبقات حاکمه دست نشانده آن در رنج‌اند. امامیان زنان مردان‌اند م تساری شدیدی بچشم می‌خورند. زنان در یک رشته از حقوق سیاسی و اجتماعی - حقوقی که مردان از آن برخوردارند، محرومند. در موسسات تولیدی که در آنها برای کار ساری زنان مزد کمتری دریافت می‌دارند بیش از مردان استثمار میشوند. از اینها همه وخیستر بقیه در صر؟

روز هشتم مارس جشن بین‌المللی زنان را بنام بانوان و دانشگران ایران تهنیت می‌گوییم. روز هشتم مارس روز همبستگی زنان سراسر جهان در مبارزه بخاطر رهایی از قیود ارتجاعی و قرون وسطایی و نیل به تساری حقوق با مردان است. از زمانی که زنان روز همبستگی خود را بنیان نهادند قریب شصت سال میگذرد. در طول این مدت زنان با مبارزات خویش توانسته‌اند در وضع اجتماعی خویش تغییرات بسیاری بوجود آورند. هم اکنون زنانی که در کشورهای سوسیالیستی بسر می‌برند از آزادی کامل و حقوق مساوی با مردان برخوردارند. در نیکی سرمایه داری نیز در وضع زنان بهبودهایی پدید آمده است ولی در اینجا ما هنوز از آزادی زنان و تساری حقوق زن و مرد خیلی دوریم. هنوز فاصله اجتماعی زیادی زنان را از مردان جسد می‌سازد. دلیل آنهم روشن است:

وضع تاسف انگیز زن در جامعه طبقاتی از ماهیت این جا بر می‌خیزد و تنها با برانداختن جامعه طبقاتی میتوان به این وضع پایان بخشید. طبقه کارگر این رسالت تاریخی را بر عهده دارد که با برانداختن جامعه طبقاتی، خود و متحدین خود را آزاد می‌سازد و زنان را نیز از اسارت و محرومیت رهایی می‌دهد. آزادی زنان و تساری کامل آنان با مردان جز با دست طبقه کارگر، جز در جامعه سوسیالیستی و در جریان ساختمان سوسیالیسم امکان پذیر نیست. فقط در جامعه سوسیالیستی است که زنان امکان می‌یابند کلیه استعداد های جسمی و روحی خود را به

رفقا و دوستان

روزنامه توفان به نیروی خود یعنی به نیروی مارکسیست - لنینیست‌ها و انقلابیون و میهن پرستان ایران برسد. یاست. دشواری مالی توفان را که با هر شماره همراه است فقط با کمک مداوم علاقه مندان میتوان مرتفع ساخت. یک روز در هفته بسود توفان کار کردن یک روز در آمد خود را در ماه به توفان اعانه دادن از دستداران دور و نزدیک برای توفان یاری خواستند. ضمانت ادامه حیات توفان و بهبود تقویت آن است.

دروغ به حزب کمونیست مارکسیست لنینیست ایتالیا

کسب حزب کمونیست آن کشور سؤ استفاده میکنند و هنوز هژمده های کثیری از مردم را در دام خود نگه داشته اند. آنها وسایل عظیم تبلیغاتی در اختیار دارند و از مرامم بیدریه روزیونیس‌های شوروی و نیز از پشتیبانی نهانی سرمایه داری ایتالیا برخوردار دارند. در چنین شرایطی مارکسیست‌ها - لنینیست‌های ایتالیا دلیرانه باحاشیتهند و حزب انقلابی طبقه کارگر را از نوسان و نهادند. دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و یحترانه یشه مائوتسه دون را بوجه هت خود ساختهند. مواضع روزیونیس‌ها را در عرصه ایدئولوژیکی و سیاسی در پیرو حوادث روز در هم کویدند. در مبارزات ماههای اخیر دارها و اعضا حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست ایتالیا همیشه در صوف مقدم قرار داشتند و پیوسته کارگران و دانشجویان و سایر توده‌های زحمتکش را بسوی شعارهای صحیح و راههای انقلابی رهنمون میشدند. از این جهت پیوند آنها با توده‌ها و نفوذ و حیثیت حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست ایتالیا روز بروز محکمتر و گسترده تر میشود.

حزب تولیانی - لنگو در ایتالیا مانند حزب نوز - والدله ریشه در فرانسه از نخستین احزابی بود که روزیونیس‌م و اپوزیونیس‌م در علطید و مانند حزب احبیر بسرعت رو بتلاشی رفت. اینک بحران مرگ آوری حزب روزیونیس ایتالیا را فرا گرفته است؟ حزبی که نقش دولت را بجا و وسیله روزگونی طبقه محین انگار میکند قانون اساسی بورژوازی ایتالیا را چارچوب سوسیالیسم می‌گذارد و رفم بنیادی جامعه را با وجود بقای رژیم موجود ننگان بند می‌شمارد. بجای توسل بمبارزه انقلابی نیچته مبارزات پارلمانی است. هرگونه اعمال قهر طبقات زحمت کش را مردود میدانند. امروز با امواج اوج گیر مبارزات حیابانی ملیونها نفر از زحمتکشان روبرو است و هر روز در تصاد حدیدی با واقعیت جامعه ایتالیا قرار میگیرد. هفت سال پیش بولسوی - در روزیونیس ایتالیا - در دفاع از راه پارلمانی بحرب کموست جین مناحب و سران بود که دفاعی چنین از " سترانژ جدید کسرتس مارخه دسکرتیک و سوسیالیستی " در ایتالیا بچیراند. ولی حوادث سالها و بویژه ماههای اخیر نشان داد که این سحمری دامسگر در روزیونیس‌هاست نه مارکسیست - لنینیست‌ها. روزیونیس‌ها در مبارکاتانه می‌گفتند که در ایتالیا طبقه کارگر در براه قانون اساسی - دو - کرانیک موجود میتواند از راه " مسالمت‌آمیز " بسرسزل سوسیا - لیسم برسد. اینک که نوبی مسلح حکومت دونفر از کارگران کشاورز سیسطل را فقط بجرم اعتصاب بحداک افکنده و در کلیه شهرهای ایتالیا در هر مینک و دمنوستراسیونی ده ها نفر را میکود و زحمی میکند جز رسوائی نتیجه ای نگرفته اند. تعداد کم نیست هائی که بر علیه رهبری روزیونیس‌ها بر می‌خیزند و بحزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) ایتالیا می‌پیوندند. روز بروز در افزایش است. کمونیست‌های تین تولا که احبیرا بلشیه مرکزی حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) ایتالیا نامه نوشته و بریدن خود را از روزیونیس‌ها و بیوستگی خود را بان حزب اعلام داشتند نوزده روشنی از اعتلا آگاهی زحمتکشان ایتالیا و نشانه تلاش حزب روزیونیس‌ها است.

حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) ایتالیا و ارگان مرکز آن، نووا اونیا، در افشا روزیونیس‌م و هنگاری آن ساسرمایه داری ایتالیا و طبقه دشوار و برافتخاری انجام میدهد. باید در نظر گرفت که روزیونیس‌های ایتالیا از اعتاد درین توده‌های زحمت

رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده‌ای است